

بنیاد فرهنگی کھزاد



چین

احمد علی کھزاد

چین

خاطره سفر فرهنگی

احمد علی کهزاد

بنیاد فرهنگی کهزاد

هنوز یک هفته پوره نشده است که از چین برگشته ام و با هر کی مواجهه میشوم خواهی خواهی باید چند کلمه ئی راجع به این کشور بگویم. با آنکه نزده روز در چین مدت زیادی نیست و چون مسافرت هم با طیاره، آنهم طیاره جت صورت میگیرد، مسافر هر قدر ادعا بکند باز هم چیز کمی دیده و چون عصر مسافرت مارکوپولو و یا ایلچی های تیموریان هرات که سه سال را وقف رفت و آمد خانبالغ (پیکن) کردند سپری شده است. همین مسافرت های کوتاه هم در شناسائی متقابل مردم و ملل خالی از فواید زیاد نیست.

امروز از بس افکار و اندیشه متوجه مغرب زمین شده خاک های مشرق عقب پرده های خاموشی و فراموشی افتاده و بُعد مسافه که بواقع زیاد است زیادتر شده به نحویکه بیشتر نقاط مشرق زمین در نظر ما که خود اهل مشرق هستیم و تقریباً در آستانه آسیای مرکزی مسکن داریم یا بکلی مجهول و یا طوری دور افتاده معلوم میشود که گوئی در ماورای حدود خواب و خیال قرار دارد.

به استثنای جاپان که از 60 سال باینطرف در اثر تکان بسیار شدید خود را بیدار ساخته و عقب قافله مدنیت غربی را گرفته و در جنگ های بزرگ بین المللی شامل شده و نامش با تولیدات صنعتی همه جا بلند آوازه گرده بقیه خاک های آسیای خاوری تا رستاخیز جنگ دوم جهانی برخی در زیر پرده استعمار و برخی در کشمکش های داخلی طوری گرفتار و گمنام افتاده بود که نه خود آرای معرفی خود را داشتند و نه کسی به موجودیت آنها وقعی میگذاشت.

یکی از کشورهایی که بطرف شرق افغانستان افتاده و صحیح تر بگویم در گوشه شمال شرق از راه دهلیز واخان در دامنه های شرقی پامیر با آن چند کیلومتر سرحد مشترک داریم، چین است که 1715510 میل مربع وسعت خاک آن است. بیش از 650 میلیون جمعیت دارد و هر هفته برابر جمعیت شهر کابل و هر سال برابر جمعیت افغانستان بر تعداد باشندگان آن افزوده میشود.

خاک چین مرکب از سلسله کوه ها، فلات مرتفعه و جلگه های هموار و پهناور است و حاصل خیز ترین و پر جمعیت ترین نقاط آنرا حوزه های دو رودخانه بزرگ (رود زرد و رود یانگی) تشکیل میدهد که در وسط چین بین النهرین عظیمی بمیان آورده است.

چین سرزمینی است زرخیز و یکی از کانون های اولیه رهائش بشری محسوب میشود و آثار زندگانی بشری تا 500 هزار سال قبل از حوالی قریب پیکن بدست آمده است. تاریخ چین از دوره های حماسی و اعصار تاریخی سلاله های «هان»، «تانگ»، «سونگ»، «مینگ»، «مانچو» و غیره که هر کدامی چهارصد سال و سه صد سال و دوصد سال دوام کرده است تا 9 سال اخیر که فصل جدید در زندگانی این کشور کهن باز کرده است همه روشن است که اینجا بدان کاری نداریم جز بیک لحاظ آنهم از نظر مقایسه و مطالعه بعضی آثار و مسائل فرهنگ و هنری با دوره های متقابل در افغانستان که عجالتاً در نگارش این چند سطر مختصر از ینهم صرف نظر میکنیم زیرا همین مقایسه بعضی آثار و صحبت از علایق بازرگانی، فرهنگ و هنری افغانستان و چین در بعضی از دوره ها مطالعه عمیقتر بکار دارد و نگارش مقاله ها را ایجاب میکند.

هیئت فرهنگی افغانستان در مدت 15 روز اقامت خود در چین یک هفته را وقف پیکن و ماحول نزدیک آن تا شعاع 120 کیلومتری نمود و در طی هفته دوم از پیکن تا کانتون در طول سه هزار کیلومتر در جنوب چین از چند ولایت گذشته و چندین شهر و نقاط عرض راه را از قبیل «سیان»، «لوبان»، «لانگ من»، «چنچو» و «کانتون» دیدن کرده است.

پیکن در جلگه ئی قرار گرفته که 165 فت بیشتر از سطح بحر بلندی ندارد. نزدیکترین رشته های جبال بطرف غرب شهر افتاده و دیوار کبیر چین در عقب همین رشته کوه ها قرار دارد و چون فاصله آن از شهر در حدود 90 کیلومتر است، از بعضی نقاط بلند پیکن هم معلوم میشود.

هیئت فرهنگی افغانی در یک هفته اقامت خود در پیکن از قصور سلطنتی عصر «مینگ» که معاصر با تیموری های هرات میباشد و امروز قسمت زیاد آنرا موزه ملی چین اشغال کرده است از دانشگاه پیکن، از اکادمی هنرهای زیبا، از کانون انتشارات السنه خارجی، از یک سلسله باغ های بهاری و تابستانی دودمان منگ، مخصوصاً مقبره «یونگ لو» پادشاه بزرگ آن سلسله که با شاهرخ میرزا پادشاه تیموری هرات تعلقات دوستانه برقرار کرده بود، دیدن نمود. دودمان منگ بین 1368 و 1644 میلادی در حدود 276 سال در طی قرن های 14 و 15 و 16 سلطنت کرده است و قراریکه دیده میشود ایشان در یک حصه وقت معاصر با تیموری های هرات ما بودند و خصوصاً میان شاهرخ میرزا و پسرانش الغ بیگ میرزا و میرزا بایسنغر و دای منگ خان (یونگ لو) روابط دوستانه برقرار شده و در نیمه اول قرن نهم هجری (نیمه اول قرن 15 مسیحی) هیئت های حسن نیت و ایلچی ها به کرات میان خان بالغ (پیکن) و هرات مبادله شده است. مولانا کمال الدین عبدالرازق سمرقندی در جلد دوم مطلع السعدین، مجمع البحرین خود از زبان غیاث

الدین نقاش هراتی که خود در یکی از هیئت های حسن نیت شامل بود و از طرف بایسنغر میرزا ماموریت داشت که سفرنامه خود را از هرات تا پیکن بنویسد و از زبان دیگران انعکاس خاطره های هیئت های ایلچیان دربار تیموریان هرات را به چین بگوش ما میرساند.

بحث در اطراف روابط دربار تیموریان هرات و دربار «تای منگ» یعنی «منگ های بزرگ» مقاله ها و رساله ها میخواد که اینجا مجال و گنجایش آن نیست. قبل از اینکه از افغانستان حرکت کنم یادداشت هائی از مطلع السعدین با خود گرفته و مخصوصاً آنچه غیاث الدین نقاش هروی بعد از اقامت 5 ماهه در پیکن دیده بود همه را به دقت خوانده و یادداشت هائی با خود داشتم.

نوشته های نقاش هراتی راجع به قصر دای منگ خان و شرحی که راجع به بارگاه «یونگ لو» و صورت پذیرائی ایلچیان و غیره نوشته بود، کمال اهمیت داشت و آنچه را نامبرده نوشته بود وجب به وجب در داخل میدان های سنگ فرش و حویلی ها و باغچه و داخل بارگاه شاهان منگ مشاهده میکردیم و خوشبختانه تخت ها و کرسی ها با صراحی های چینی و ظروف بزرگ مفرغی مخصوص دود کردن بخور و غیره تا حد زیاد هنوز موجود است و خود تصور میتوانید که هیئت فرهنگی افغانی با خواندن یادداشت های پنجم صد ساله یکی از هموطنان شان و دیدن کوشک های سلطنتی پادشاهان منگ چقدر خوشی و مسرت احساس میکرد.

از حسن اتفاق مقدم بر ورود هیئت افغانی به پیکن در محل آرامگاه «یونگ لو» دخمه ئی کشف کرده و در دخمه به تعداد هنگفتی ظروف طلا و مرتبان ها و خم ها و صراحی های چینی آن عصر را با صد ها پارچه و ادوات بسیار نفیس دیگر یافته اند که همه را در نقاره خانه دروازه شمالی ارگ سلطنتی به غرض نمایش گذاشته اند که روز اخیر اقامت در پیکن از آن هم دیدن کردیم. بهر حال شرح تمام جاها و نقاطیکه در یک هفته در پیکن دیدیم زیاد است. در طی هفته دوم مسافرت خویش در چین که در طول سه هزار کیلومتر در حصص جنوبی آن کشور گذشت از شهرهای مختلفی که نام گرفتم گذشتیم و در آنها توقف کردیم.

در بین شهر ها از همه بیشتر شهر «سیان» جلب توجه کرد و از همه جا وقت ما در بین شهر تاریخی خوش گذشت. شهر سیان یکی از شهرهای تاریخی چین است که در عصر «تانگ» معاصر ظهور دین فرخنده اسلام در افغانستان در طی دو سه قرن اول هجرت پایتخت چین بود و چون آئین بودائی تا حدی زیاد در اثر فعالیت های مبلغان و راهبان گندهاری و کاپیسی و غیره در خاک چین در طی چند قرن گذشته پخش شده بود، سر دسته علمای بودائی چینی، هیوان تسنگ، که نامش در خاطره های تاریخی افغانستان کسب شهرت زیاد کرده است از اهل همین شهر بود. وی در سال 631 مسیحی وارد افغانستان شده و بشرحی که همه میدانیم از قندوز (کهن دژ) و بلخ و بامیان و کاپیسی (بگرام) و هده (هیلو) و غیره گذشته و بعد از مسافرتی به هند، مجدداً از دره ها و کوه های مملکت ما

گذشته و به شهر «سیان» وارد شده است. به یاد بود مراجعت عالم مذکور معبد و پرچمی بسیار بلند به ارتفاع تقریباً 70 متر ساخته اند که امروز علاوه بر اهمیت تاریخی برای مشاهده مناظر اطراف شهر «سیان» بهترین و بلندترین جایگاهی بشمار میرود. به فاصله 40 کیلومتری شرق شهر آرامگاه زایر چینی مذکور در آغوش تپه سبز و خرمی قرار دارد و در عرض راه کشتزار های سرسبز و تپه های خرمی را که صیفه شهر سیان محسوب میگردد، تماشا کردیم.

متصل شهر دیگری بنام «لوبان» جایگاه تاریخی دیگری واقع است معروف به «لانگ من» و نقطه مطلوب دره ایست که رودخانه بزرگ از وسط آن میگذرد و در جدار کوه بچه ئی که در سواحل غربی رودخانه واقع است مانند بامیان در دل سنگ خارا صدها و هزارها سموچ کنده شده. در اینجا در دوره های «تانگ» و «سونگ» و پیشتر و بعدتر از آن، حوالی قرن 5 مسیحی تا حوالی قرن 8، آثار و هیكل تراشی های قشنگ و نفیسی ایجاد شده که بنظر میخورد صدها نکته دلچسپ قابل مقایسه با شواهد بودائی بامیان دارد و داخل شدن در جزئیات آن مطالعات مبسوط و مقاله های مفصل بکار دارد.

هیئت فرهنگی افغانی در چین نو چیزهای نوی هم دید که حاکی از بیداری یک ملت بزرگ است و کار و زحمت چند صد میلیون نفر را در تحت یک رژیم واحد و در تحت پلان ها و نقشه های وسیع آن نشان میدهد. چین در طی چهار و نیم هزار سال تاریخ خود دوره های شکوه و جلال و ملوک الطوائفی و امپراطوری و خانه جنگی و دربدری و گرسنگی و پراگندگی را گذرانیده و از 9 سال باینطرف بار اول در تاریخ طولانی خود تحت رژیم اداری واحدی درآمده است.

چین نو مشغول تلافی مافات است و چون دوره های بیخبری و غفلت طولانی را گذرانیده به شدت هرچه تمامتر میخواهد که گذشته را جبران کند.

چین کشور زراعتی که حوصله و پشت کار دهقانان آن شهرت جهانی دارد، قدم های بزرگی بطرف صنعتی شدن برمیدارد. پهلوی هر شهری شهر دیگری از تراکم کارخانه ها و فابریکه ها و رهایشگاه های کارگران تشکیل شده و به اصول بسیار ساده و بسیط با آب کردن مواد معدنی در کوره های کوچک گلی هر خانواده دهقان چینی وظیفه دار گردیده تا در افزایش تولید آهن و فولاد سهم بگیرد.

جمهوریت مردم چین طرح نقشه های وسیع زراعتی، عمرانی، صنعتی یک ربع جمعیت روی زمین را در خاک پهناور چین به جنبش و فعالیت درآورده. قوه انسانی در ین کشور وزن بسیار سنگینی دارد که کار بسیار ماشین های ثقیل و وسایل مکانیزه را اجرا میکند. مردم چین زن و مرد شبیه بهم لباس ساده متحد الشکلی می پوشند. زن چینی مجال آرایش ندارد. در میان میلیون ها زن چینی سرخی و سفیده در روی و لب یکی هم دیده نشد. چنین احساس میشود که زن و مرد مشغول کار و مشغول تعمیر کشور و دیار خود هستند. یک ملت بزرگ و یک توده منظم مردم در وسط قاره آسیا در حرکت و جنبش آمده و در این

کشمکش در پیشانی حیات شخصی و اجتماعی و ملی فرد و جامعه چین کلمه «فعالیت»
 خوانده میشود. شنبه 1337/9/12 /مجله آریانا، شماره دوازدهم، سال شانزدهم، اول جدی
 1337، کابل//نشر مجدد جولای 2013، بنیاد فرهنگی کهزاد/



هیوان-تسنگ زایر چینی که بعد از مسافرت
 به افغانستان و هند با مجموعه‌ای از آثار
 و اسناد به شهر (سیان) در چین مراجعت
 کرده است.